

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عملیات کشتار جمعی و تبعیض؛ از دست آوردهای تمدن غرب!

(ترجمه)



روزنامه "لوموند" فرانسوی نوشت: «در سال جاری تعداد حملات مسلحانه آمریکا که منجر به کشتار دسته جمعی شد، بسیار زیاد بوده است. حملات کشتار جمعی به حملاتی گفته می شود که حد اقل چهار مجروح یا چهار کشته را در بر داشته باشد و اگر این نوع حملات قربانی کمتری داشته باشد، در ضمن آمار کشتار جمعی شامل نمی شود.» این روزنامه هم چنان می نویسد: «مجموعه کشتار حملات جمعی آمریکا تا اکنون در سال جاری، بالغ بر 454 تن و مجموع زخمیان این نوع رویدادها به 1404 تن رسیده و در خلال 238 روز ابتدایی سال جاری، طولانی ترین زمانی که آمریکا بدون حمله در آن به سر برده، چهار روز از ماه مارچ بوده است.» این روزنامه اضافه می کند: «حمله یی که در ساعات اخیر روز چهارشنبه گذشته در "لاس انجلس" اتفاق افتاد، در آن 12 تن کشته شده و این حمله از جنوری سال گذشته 374مین حمله به حساب می آید.»

حد اوسط حملات کشتار جمعی در سال 2018م، به 1.20 حمله مسلحانه در روز بوده است. در سال 2016م این رقم به 1.30 حمله در روز می رسید و در 21 اگست 2017م، در یک روز 8 حمله مسلحانه صورت گرفت.

یک‌تعداد از آمار حاکی از آن است که تیرباران توسط حیازت سلاح شخصی در امریکا، بین جنوری 2013م و مارچ 2018م باعث کشته شدن 2594 تن و زخمی شدن 7706 تن شده است. هم‌چنان آمار نشان می‌دهد که پولیس امریکا در سال 2012م در نتیجه فرهنگ نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان و شگاف جامعه امریکائی، بالغ بر 55 هزار تن را کشته و زخمی نموده است.

بر اساس یافته‌های "سی بی سی کانادا" وقتی که شما تعداد جرایم قتل را در امریکا جستجو کنید، متوجه می‌شوید که در هر دقیقه یک امریکائی با سلاح کشته شده و از هر هزار امریکائی 9 تن‌شان در زندان بسر برده و در هر سال تقریباً 100 هزار تن با اسلحه مورد حمله قرار می‌گیرند که به‌طور اوسط در هر روز تقریباً 289 تن با اسلحه مورد تعرض قرار گرفته که از این میان، 89 تن‌شان مرده و 53 تن در روز خودکشی می‌کنند. در مورد تعداد کشته شدگان توسط پولیس، آمار رسمی وجود ندارد و یک‌تعداد از روزنامه‌نگاران در طول چند سال در این مورد، تحقیقات نمودند که حاصل آن آمار ذیل شده است:

در سال 2013م 1029 تن و در سال 2014م 1143 تن به دست پولیس کشته شدند و در صورت تحقیق در مورد واقعیت کشته شدگان، دیده می‌شود که اکثریت قاطع‌شان فقیر، سیاه‌پوست و یا هم (30 درصد) کسانی اند که اختلال عقلی دارند. یک‌تعداد از حالات اصلاً باور کردنی نیست؛ مثل این‌که فرد در موتر پولیس دست‌بند زده شده که بعداً پولیس ادعا می‌کند که این شخص می‌خواسته بالای پولیس شلیک کند. چند روز قبل کامرها صحنه‌ای را ثبت کردند که پولیس بالای شخص بی‌گناه و بدون سلاح، که در حال فرار است، 8 مرمی را شلیک می‌نماید.

فهم این‌که چگونه پولیس سه امریکائی را در روز کشته و با آماری نجومی یکدیگر را می‌کشند و این‌که زندان‌های‌شان مملو از متهمین قتل شده است، کار سختی نخواهد بود؛ چون این نظام سیکولریزم است که انسان را از هر ارزشی به‌جز ارزش و پرستش ثروت، تهی می‌کند. وقتی انسان را از هر ارزشی تهی نمود، تمام تلاش خود را برای تولید متمرکز نموده و این تولید را به پرداخت صورت‌حساب ارتباط می‌دهد. با بلند رفتن فشار روانی و امراض روانی و نیز سهولت تهیه سلاح، به آسانی تمام این جرایم را خواهیم فهمید و هم‌چنان به آسانی ناکامی، تنزل، انحطاط و افول این تمدن را درک خواهیم کرد.

بر اساس آمارهای "بی بی سی"، در انگلیس 42 درصد از انگلیسی‌ها در یک زمان واحد، با بیش از دو شخص روابط برقرار می‌کنند و این کار را بیش از نصف مردم امریکا نیز انجام می‌دهند. بر اساس گزارش "تلگراف" بریتانیا، در سال 2016م، بیش از 50 درصد از نوزادان انگلیس غیرمشروع بودند و روزانه به‌طور اوسط تقریباً 83 هزار طفل نوزاد را مادران‌شان به‌دور انداخته و یا هم پدران‌شان مسئولیت‌شان را به‌دوش نمی‌گیرند و یا هم دولت، آن اطفال را از پدران‌شان گرفته و جهت سرپرستی، به فامیل‌های دیگر انگلیسی واگذار می‌کند. (آمارهای 2016م)

در حال حاضر در آلمان آمار خیانت با همسر 46 درصد از مردان و 43 درصد از زنان گزارش شده و در فرانسه 55 درصد از مردان و 32 درصد را از زنان تشکیل می‌دهد. بر اساس تحقیقات روزنامه "گاردین" از هر هزار مورد بارداری، 19.7 مورد آن

زنان خوردسال اند؛ یعنی تقریباً 2 درصد. این بدان معناست، این روابط که به خاطر تحقق رؤیای "آزادی" روی دست گرفته شده است، جوامع و فامیل‌ها را فاسد نموده و آن‌هم چه فساد!

این سیکولریزم است که باعث شده تا 20 میلیون تن از زنان در امریکا مورد تجاوز و تعرض جسمی قرار گیرند. بر اساس گزارش "CNN" که شخصی به نام "ایوان استارک" پژوهش‌گر مطالعات دفتر ملی صحت روانی امریکا بالای پرونده 1360 تن از زنان در درمان‌گاه‌ها تحقیق نموده، می‌گوید: «لت‌وکوب زنان در امریکا شاید از جمله شایع‌ترین مورد صدمه زدن به زنان باشد، حتی بیش‌تر از تلفات، ناشی از حوادث ترافیکی، سرقت و تجاوز بوده و 83 درصد از زنان حداقل یک مرتبه به خاطر درمان زخم‌ها و کبودی‌های ناشی از لت‌وکوبی وارد بیمارستان شده‌اند.»

روزنامه "PSYCHOLOGY TODAY" نوشت: «از بین هر ده زن یکی آن توسط شوهرش مورد لت‌وکوب قرار می‌گیرد.» بلافاصله پس از آن روزنامه "FAMILY RELATION" نوشت: «این‌طور نیست... بلکه از هر دو زن یک تن آن از طرف شوهرش مورد ظلم و تعرض قرار می‌گیرد.»

سیکولریزم امریکا از حقوق صحی زنان حمایت نمی‌کند؛ چنان‌چه بر اساس اسناد سازمان ملل در 20 سال پسین، احتمال مرگ‌ومیر زنان باردار دارای اصالت افریقائی در مقایسه با زنان سفیدپوست چهار برابر بوده است. میزان عدم دست‌رسی به درمان در اثنای بارداری بین زنان بومی و سفیدپوست امریکا و زنان آلاسکا 3.6 برابر بوده و بین زنان امریکائی افریقائی تبار 2.6 برابر، بین زنان لاتینی 2.5 است. حتی دیدگاه سیکولریزم نسبت به زن هنوز هم نسبت به رنگ، پوست و اصالت‌اش می‌باشد. آیا حق نداریم که بگوئیم نظام سیکولریزم علیه حقوق زن است؟

به نقل شبکه "سی بی سی" و بر اساس گزارش موسسه اکسفام و مرکز پژوهشی سیاست‌های بدیل کانادا، در 7 مارچ 2016م: «در کانادا زنان باید 72 درصد نسبت به مردان در عین وظیفه تلاش کنند؛ چون وسعت شگاف دست‌مزدها بین زنان و مردان در وظیفه واحد و در عین حرفه به 72 درصد رسیده است. علاوه بر آن، زنان باید اضافه‌کاری بدون دست‌مزد نیز انجام دهند. این گزارش اشاره به این دارد که شگاف دست‌مزدها در سال 2009م، 74.4 درصد بود، سپس در سال 2010م، به 73.6 درصد رسید. این شگاف در سال 2011م وسعت بیش‌تری پیدا نموده تا این‌که به 72 درصد رسید و تا امروز در 2016م به همان وسعت 72 درصد خود باقی‌مانده است.» قابل ذکر است که این شگاف در 2002م، 70.02 درصد بود. این گزارش علت تفاوت دست‌مزدها را که در ساعات کاری کم‌تری باشد، رد نموده و نیز این‌که تفاوت دست‌مزدها به میزان تحصیل و تجارب عملی ارتباطی داشته باشد، نیز رد می‌نماید؛ چون اعتبار تمام عوامل را در نظر گرفته است. به‌منظور کسب نتایج دقیق‌تر، این گزارش به کارهای دائمی در طول سال تمرکز نموده است. بعضی از آمارها اشاره دارد که میزان تفاوت دست‌مزدها در امریکا در بهار 2016م به 79 درصد رسیده بود و در سال 1974م به 59 درصد تقلیل یافت.

علاوه بر این، میزان دست‌مزد در امریکا به نژاد نیز ارتباط دارد؛ زیرا مردان اسپانیایی لاتین در سال به‌طور متوسط 32 هزار دالر معاش گرفته و زنان در سال، 29 هزار دالر معاش می‌گیرند. مردان سفید پوست اروپائی الاصل در عین وظیفه 53 هزار دالر معاش گرفته و زنان سفید پوست 41 هزار دالر معاش دریافت می‌کنند؛ مگر مردان افریقائی الاصل 37 هزار دالر معاش گرفته و زنان افریقائی الاصل 33 هزار دالر معاش می‌گیرند. در نتیجه اگر مرد سفیدپوست را برای درآمد معیار قرار دهیم، زنان دارای اصالت اسپانیایی لاتین 54 درصد معاش گرفته، زنان دارای اصالت افریقائی 63 درصد و زنان سفیدپوست 78 درصد معاش دارند. این است دموکراسی که غرب به آن افتخار کرده و حقوق بشر و حقوق زن را در جهان اسلام و اطراف کره زمین سر می‌دهد؛ همان حقوقی که تعلیم یافته‌گان غرب به آن فخر نموده و غرب را برای خویش‌الگو و نمونه قرار داده اند، بی‌خبر از آن‌که تبعیض در رگ و پوست این نظام جاری است!

یگانه پناه‌گاه و منجی برای بشریت، تأسیس دولت خلافت راشد بر منہج نبوت است تا این‌که بشریت را از تاریکی سیکولریزم به نور اسلام منور کرده و از گودال دموکراسی به بلندی نظامی که مبتنی بر شورای اسلامی است، رساند و بشریت را از انحطاطی که امروزه سردچار است، نجات خواهد داد.

برگرفته از جریده‌الرایه

نویسنده: نائر سلامه

6 ربیع الاول 1440 هـ.ق

14 نوامبر 2018 م